



۱۶ جون ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

پوهاند حسن کاکر نابغه و کاشف بزرگ یا بزرگترین تحریف نگار و جعلکار تاریخ معاصر افغانستان؟

(قسمت پنجم)

در نقش وکیل مدافع استعمار

آقای داکتر حسن کاکر قیل از نقد این قلم بر کتابش با مهارت تمام و جعل کاری اسناد میکوشید در رابطه با ترور شخصیت غازی امان الله خان و مشروطه خواهان و یاران ضد استعماری شان طوری وانمود نماید که آنچه او میگوید و مینویسد، به مامورین و ایجنت های انگلیسی ربطی نداشته، بلکه گفتار آگاهان و صائب نظران مانند منشی علی احمد خان شالیزی (مومند) و حامیان (بخوانید دشمنان) غازی امان الله خان مانند شیخ محبوب علی و عزیز هندی میباشد. اما بعد از آنکه تثبت رسوائی آقای کاکر از بام افتاد و دیده شد آنچه او میگوید، تکرار و نشخوار تبلیغات فتنه انگیز انگلیسی میباشد، او دیگر به یک وکیل مدافع مستقیم استعمار و انگلیس هاتبدیل شده است .

به چند نمونه از گل های جدیدی که آقای کاکر به آب داده است توجه کنید و ببینید که او چگونه در سمت وکیل مدافع انگلیس ها در حملات بر غازی امان الله خان و یارانش حتی از مامورین و گماشتگان انگلیسی نیز سبقت می جوید:

تبرئه کردن انگلیس ها از دست داشتن در توطئه ها علیه غازی امان الله خان

کننده این قلم میدانند. او درین باره به یک حیران ذهنی بیان پوهاند کاکر توطئه های انگلیس علیه رژیم و نهضت امانی را یک قسمتی از نقد من تحت عنوان «مسئولیت سقوط نهضت امانی را بگردن خود غازی امان الله خان و افغانها انداختن» اشاره میکند که اصل آن چنین است :

«استعمار انگلیس با وجودیکه همیشه یک افغانستان قوی و غازی امان الله خان را برای سلطه و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود تهدید بزرگ می شمرد، و در پهلوی توطئه ها و تلاش های ترور و کشتن غازی امان الله خان با استفاده از هر فرصتی در صدد برانداختن سلطنت وی بود و درین راه در پهلوی تشویق و تطمیع رهبران مذهبی و مخالفین دولت از هیچ کوششی دریغ نورزید؛ همیشه تبلیغ نموده که گویا سبب اصلی سقوط رژیم امانی اشتباهات شخص غازی امان الله خان و براه انداختن اصلاحاتی بوده است که مورد قبول مردم کشورش نبوده است.»

آقای کاکر باز هم نه تنها دست به تحریف و جعل کاری زده و متن نقد این قلم را تغییر داده است ، بلکه یک بار دیگر به هتک حرمت پرداخته چنین درفشانی میکند: «اولاً به نظر می رسد این فقره از نظر املاً و انشأ از کسی باشد که خواندن و نوشتن را تازه آموخته باشد. از لحاظ فکری، شاعلی زمانی درین فقره موضوعات بزرگی را بدون اینکه یکی آنرا هم بیان و شرح کرده و یا ثابت نموده باشد، گنجانیده است. وی تصور میکند که در این مورد صاحب صلاحیت است و هر چیزی که به ضد برتانوی ها بنویسد، خواننده خواهد پذیرفت.»

د پانو شمیره: له 1 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

آقای کاکر باز هم با منطق و شیوه خاصش، به هتک حرمت این قلم و تمام کسانی که انگلیس ها را در توطئه علیه غازی امان الله خان دخیل میدانند، پرداخته مینویسد که گویا «... فقره شاعلی زمانی آنقدر سرگیج کننده، بی سویه و پروپاگندی است که به دادن جواب نمی ارزد، ولی از آنجایی که یک تعداد دیگر نیز برتانوی ها را در ناکامی شاه امان الله دخیل می دانند و یک تعداد نشنلست های احساساتی و ویسایتی در موردش ناله و فغان دارند، من در اینجا می کوشم واقعات را، به هر نوع که باشند از منابع معتبر [؟!] و نوشته های آنوقت [؟!]، تقدیم نمایم».

آقای کاکر بعد از جعل کاری دیگر و ادعای تبرئه کردن انگلیس ها از ادرس شخص غازی امان الله خان به روزنامه نگار «شیکاگو تریبیون» که ما در قسمت سوم این مضمون آنرا به تفصیل ارزیابی نمودیم، **اینبار به زعم و گمان خودش سند دیگری ارائه کرده و به حواله خان عبدالغفار خان (پاچا خان) مینویسد که گویا انگلیس ها هیچ توطئه نکرده چون «غازی امان الله خان» در بمبئی به پاچا خان [یعنی] عبدالغفار خان از مردم خود حتی شکایت کرد، که او را "قادیانی" و "وهابی" میدانند و او دیگر نمی خواهد بالایشان به مقصد حکمروائی کوشش نماید».**

ما که تا حال چند نمونه از این منابع معتبر (!؟) و نوشته های آنوقت آقای کاکر را بررسی کردیم درین جا به تنها یک مورد از گفتار خان عبدالغفار خان از همان ماخذ آقای کاکر اکتفا میکنیم که هم ثبوت دروغگوئی آقای کاکر بوده و هم یکبار دیگر ادعای قبلی او را در مورد دست نداشتن شیخ محبوب علی در توطئه های انگلیس رد میکند. پاچا خان در کتابش به نام «زما ژوند او

جدوجهد» صفحه ۷۵۴ مینویسد که

«ما ترتیبات امنیت خود را از

طریق "خدایی خدمتگار" می گرفتیم.

زیرا پولیتیکل ایجنت [نماینده

سیاسی انگلیس] در آنجا شیخ

محبوب علی بود. ما اطلاع یافتیم

که شیخ محبوب علی آمده و با

گورنر "کیرو" ملاقات نموده است.

این شخص وفادار انگلیس ها و

یک ایجنت بی ضمیر بود. او یک

فرد بسیار پست بود و قوم پشتون

از دست او بسیار تباه شده بود. در

افغانستان در چاکری سفیر بریتانوی

"همفری" تختة حکومت امان الله

خان به ذریعه او سرنگون شده بود

"بچه سقاو" را او بر تخت کابل

نشاندند بود».

زما ژوند او جد و جهد

کول په کار دي لکه څنگه چې په وزیرستان کې شوی و. او که

ته د فوځ انتظام نه شې کولی، نو بیا به مونږ د خدایي

خدمتگارو په ذریعه د خپل حفاظت انتظام وکړو. ولې چې

هلته پولیتیکل ایجنت شیخ محبوب علی دی، مونږ خبر شو

چې شیخ محبوب علی راغلی دی او گورنر کیرو سره یې

ملاقات کړی دی. دا سړی د انگرېزانو د پروفادار او بې

ضمیره ایجنت و، دی د پېر کمینه سړی و او د ده د لاسه پښتون

قوم د پېر تباہ شوی و، په افغانستان کې د برتانوي سفیر

همفري په چا کړی کې د امان الله خان د حکومت تخته د ده په

ذریعه اوږدېدلې وه او (بچه سقاو) یې د کابل په تخت کېښولی

و. په داسې حال کې چې د ده د خلاق، فساد، دده

دفاع مستقیم از همفری (سفیر انگلیس در کابل)

جالب اینست که آقای کاکر به دفاع مستقیم همفری (سفیر انگلیس در کابل) نیز می پردازد. او مینویسد که «شاعلی زمانی این را هم اظهار میدارد که ... " همفریز نقش بس بزرگی در طرح دسایس و توطئه های انگلیس داشته است " منظور او این است که پادشاه امان الله در اثر " دسایس و توطئه های همفریز " ناکام و مجبور به ترک وطن گردید .

د پانوی شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

او نمیفهمد که یک سفیر در بین حکومت‌های مهماندار و خودش، یک واسطه دیپلماتیک است نه اینکه در مقابل حکومت مهماندار سیاست طرح نماید.»

مثلی که قبلاً نیز چندین بار به تناقض گوئی‌های آقای کاکر اشاره شده است، او یکبار دیگر دروغ قبلی‌اش را فراموش کرده و در دفاع از "همفری" گفته فوئش را خود رد میکند. او نخست مینویسد که «این نظر هم زیاد شنیده میشود که حبیب‌الله کلکان حین حمله بالای کابل زخم برداشت و در سفارت انگلیس معالجه گردید. این آوازه قرین به حقیقت نیست زیرا در زمان هجومش به ارگ، قوای حکومتی با او درگیر نشده اند.»

او چند پاراگراف پایانتز علاوه میکند که «تا اندازه‌ئی زیادتلاش‌های همین همفریز بود که رژیم حبیب‌الله حیثیت بین المللی پیدا نکرد.»

دفاع از امپراتوری و استعمار انگلیس

آقای کاکر در دفاع از امپراتوری و استعمار انگلیس چند قدم پیشتر رفته و چنین درفشانی میکند:

«به استثنای شاعلی عبدالرحمن زمانی، دیگر کی خواهد پذیرفت که "استعمار انگلیس، شاه امان‌الله را برای خود یک تهدید میدانست" و می‌خواست او را "بکشند"؟ به کدام قوت شاه امان‌الله به این استعمار که در بسا مناطق جهان نفوذ کرده بود، تهدید شده می‌توانست؟ جای تأسف است که یک داکتر طب چنین هوئی گپ زده و ملامتی ناکامی شاه امان‌الله را بدوش خارجی‌ها می‌اندازد.»

چون آقای کاکر در اصل به استرداد استقلال افغانستان یقین ندارد، نمیتواند قبول کند که همین غازی امان‌الله خان به حمایت مردم خود پوز بزرگترین قدرت استعماری جهان را، که آفتاب در قلمروش غروب نمیکرد، به زمین مالید.

آقای کاکر علاوه میکند که «وی [زمانی] نمی‌داند که استعمار به معنی‌ئی عمران، مثل استفاده که به معنی فایده گرفتن و استثمار به معنی ثمر گرفتن و یا مکیدن است. بلی استعمار (Colonialism) در تاریخ به این شکل افاده گردیده است که اتباع یک مملکت در مملکت دیگری متوطن گشته و بعضی از ایشان بالاخره حکمرانی آن مملکت را بدست آورده اند. برتانویان به این مفهوم در افغانستان متوطن نگشته اند. پس یاد نمودن "استعمار انگلیس" به این شکل یک افاده "پروپاگندی" است. افغانستان به لحاظ مالی، اقتصادی، و نظامی باید یک مملکت مقتدر می‌بود که برتانوی‌ها امان‌الله خان را تهدیدی در مقابل خود محسوب می‌کرده اند. افغانستان در اثر مصارف گزاف غیر معمول شاه امان‌الله، آنقدر ناتوان گشته بود که از نظر مالی تهدیدی برای هند برتانوی شده نمی‌توانست.»

آقای کاکر در دفاع از استعمار به حدی روش افراطی اختیار میکند که حتی رویای رسیدن به آب‌های گرم هند توسط روس‌ها را نیز یک افسانه میدانند.

حال بیابید و ازین نوده پیوند کنید! آیا می‌ارزد به این چرندیات او جوابی داد؟ آیا میتوان گفت که کاکر نادانسته مرتکب تحریف شده است؟ آیا او معنی استعمار و تفاوت بین استعمار کهن و استعمار نوین را براستی نمیداند؟ مگر امروز سوابق و اهداف استعماری انگلیس‌ها بر کسی پوشیده است؟ مگر به گفته "آقای محمد ولی" اگر به پلان‌های پیاده شده انگلیس‌ها در افغانستان، هندوستان و کشورهای عربی بنگریم، آیا دیده نمیشود که هدف فعالیت‌های شان بر توطئه و دسیسه، سبوتاژ، نفوذ در محافل حاکمه، نصب امیران و پادشاهان دست‌نشانده و تبدیل جغرافیای طبیعی کشورها متمرکز بوده است؟ آیا آنها با مهارت و هوشیاری خاص در بین دربار، متنفذین قومی و حلقات روحانی کشورها راه نیافته و بهترین حربه‌شان درین راه استفاده از پول نبوده است؟ آیا آنها با استفاده از پول اشخاص را

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

نخریده یا استخدام ننموده و از طریق آنها به اغتشاشات دامن نمیزدند؟ تبلیغات منفی نمیکردند، و در بین محافل سلطنتی، گروه های سیاسی و مردم عام سبب ایجاد ناباوری و اختلافات نمیشدند؟

نشخوار تفاله های مامورین انگلیسی در ناچیز شمردن غازی امان الله خان

طوری که در بالا دیده شد، آقای کاکر در رابطه با غازی امان الله خان از یکطرف همان تبلیغات انگلیس ها را نشخوار نموده کوشش میکند در مقایسه با انگلیس ها وی را به مثابه پشه در مقابل فیل نشان دهد، اما از طرف دیگر درس های استادان انگلیسی و اعترافات شانرا فراموش نموده است. درین رابطه به چند نمونه کوچک اسناد از کتاب «بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس» توجه کنید:

- روزنامه "ستیت من" انتخاب گرانت را بحیث رئیس هیئت مذاکرات صلح راولپندی تقبیح نموده و لارد کرزن، وزیر خارجه برای امور هند، را مورد انتقاد قرار داد و نوشت که «افغانها بدون هیچ تردیدی برنده شدند. افغانها حالا هم سرکش و متمدن هستند، حالا هم انقلابیون هندی را پناه میدهند، حالا هم با بلشویک ها مناسبات خیلی دوستانه دارند، و حالا هم در سرحدات مامصروف تحریک نزاع میباشند. تمام بحث های پیچیده لارد کرزن این حقیقت ساده را پنهان کرده نمیتواند که حکومت هند هم عملیات جنگی را درهم و برهم کرد و هم مذاکرات صلح را خراب کرد. کنترل مناسبات خارجی افغانستان را نباید فردای حمله آنها تسلیم میکردیم.»
- برسمیت شناختن استقلال افغانستان در لندن ایجاد سردرگمی کرد. عده زیادی از انگلیس ها میپنداشتند که سیاستمداران آنها چیزی را از دست دادند که برای بدست آوردنش مردان شان جان هایشان را از دست داده بودند، و آن کنترل افغانستان بود. روز کیپل به تاریخ ۴ جون به نایب السلطنه نوشت «امان الله آتشی را افروخته است که خاموش کردن آن برای ما بسیار دشوار خواهد بود.»
- در پارلمان انگلستان لارد سیدنهم Lord Sydenham دانسته جمله کرزن را تکرار کرد که گفته بود «چیزی که بر من تأثیر ناگوار دارد، برخورد فاتحانه است که افغان ها در همه این مدت از خود نشان میدادند.» مونتیگو در مکتوبی به نخست وزیر پیشنهاد کرد که نایب السلطنه چلمسفورد را از عهده اش برکنار کند، وی حتی مسوده مکتوب برطرفی چلمسفورد را آماده ساخت، اما آنرا نفرستاد.
- قوماندان عمومی قوای انگلیس، جنرال مونرو گفت «مناسبات سیاسی ما با امیر باید عمیقاً تغیر یابد. ما نمیتوانیم درین سوی سرحد با چشم بسته باقی بمانیم.» و برای بهتر ساختن معلومات به ایجاد یک شعبه مخصوص استخبارات برای هم آهنگی فعالیت های شان در افغانستان پرداختند.
- وزیر خارجه در مکتوب ۱۳ اگست ۱۹۱۹ به نایب السلطنه اشاره کرد که بریتانیا بصورت بی شایبه آبرویش را از دست داد.

انکار از تلاش های انگلیس برای کشتن غازی امان الله خان

غازی امان الله خان رهبری بود که بیشترین تلاش برای کشتنش صورت گرفته است. وی خصوصاً بعد از حصول استقلال کامل افغانستان، در سیاست داخلی و خارجی دست به اقداماتی زد، که خصومت انگلیس ها را بخود بیشتر و تیزتر ساخت. شاید علت دیگر این تعدد حملات هم علاقه و محبت شدید وی به مردم بوده باشد که بدون محافظ و کش و قش در شهر و بازار گشت و گذار میکرد، و فرصت حمله را برای دشمنانش مساعد تر و آسانتر میساخت.

قبل از آنکه انگلیس ها تصمیم بگیرند، غازی امان الله شاه را بصورت فزیکتی از سر راه شان بردارند، به توطئه ها و تخریبات مختلف دیگر متوسل شدند که از آن جمله میتوان از تلاش های خریدن و تحت نفوذ درآوردن، چال های دیپلماتیک و سیاست دورویه تطمیع و تهدید، کمپاین اشاعه معلومات غلط، تبلیغات ناروا، بی اعتبار ساختن و تخریب شخصیت، طرح کودتا و تعویض کردن وی با عناصر وفادار و حامی منافع انگلیس ها، نام برد.

- از لابلای راپور های محرمانه استخبارات انگلیس معلوم میشود که طی شش ماه بین اکتوبر ۱۹۱۹ تا مارچ ۱۹۲۰ سه سو قصد ناکام برجان امان الله خان صورت گرفته است. سو قصد اول به تاریخ هفتم (۷) ماه اکتوبر

د پانوی شمیره: له 4 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

- ۱۹۱۹ صورت گرفت، بعد از آن به تاریخ پانزدهم (۱۵) فیبروری ۱۹۲۰ و سومی آن هم به تاریخ پانزدهم (۱۵) مارچ ۱۹۲۰.
- قابل یادآوریست که بعد از وفات سردار نصرالله خان (۲۰ می ۱۹۲۰) تعداد حملات سو قصد بر غازی امان الله خان بصورت چشمگیری زیاد شد. **شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی در ختم هفته ۲۶ اگست ۱۹۲۰ از کابل اطلاع داد که سو قصد دیگری بر جان غازی امان الله خان صورت گرفته است.** این پانزدهمین (۱۵) بار است که موصوف مورد سو قصد قرار می‌گیرد. این راپور از بین بردن قریب الوقوع غازی امان الله خان را پیش بینی نموده می‌افزاید که "انتظار عمومی اینست که دیری نخواهد گذشت که جای وی را عنایت الله خان خواهد گرفت". به رویت این سند استخبارات بریتانیا، تنها در ۱۷ ماه اول سلطنت ۱۵ سو قصد علیه امان الله شاه غازی صورت گرفته است، یعنی بصورت اوسط تقریباً یک سو قصد در هر ماه.
 - یک سند دیگر محرمانه آرشیف هند بریتانوی هم از ترور قریب الوقوع غازی امان الله خان صحبت میکند. درین یادداشت، جنرال ایدموند بارو (General Edmund George Barrow) یکی از مأمورین عالی رتبه نظامی بریتانیا در دفتر هند، به کمیته سیاسی بر یک نکته تأکید میکند و آن اینکه نباید به امان الله خان هیچ امتیازی را قایل شد چون «وی شاید هر لحظه ترور شود. واقعاً اگر تلاش کشته شدن وی صورت نگیرد، من خیلی تعجب خواهم کرد. در آنصورت ما از کشته شدن وی متأثر نخواهیم شد. به من گفته شده است که وی یک جوان نامرغوبیست که افکار شدید ضد انگلیسی را غرس کرده است».
 - ترور شخصیت و سو قصد بر جان غازی امان الله خان بعد از ترک وطن نیز ادامه داشت. بریتانیا حتی بعد از آنکه غازی امان الله خان کشور را ترک کرد، از نظارت، تعقیب و تلاش های مسموم کردن و کشتن وی دست برنداشت. مأمورین استخبارات انگلیس وی را هم در ایتالیا و هم خارج از ایتالیا مثل سایه تعقیب میکردند. در یکی از اسناد محرمانه استخبارات انگلیس از سفر ماه فیبروری سال ۱۹۳۱ غازی امان الله خان به قسطنطنیه و انگوره، که بعداً به نامهای استانبول و انقره مسمی شدند، گزارش داده شده است. مأمورین انگلیسی درین گزارش اعتراف نموده اند که در پیدا کردن هدف این سفر ناکام مانده و حدس زده اند که ممکن هدف وی جمع آوری پول و یا تصمیم بودوباش در ترکیه بوده باشد. این گزارش حاکیست که وی در آخر ماه دوباره به ایتالیا برگشته است.
 - در تلگرام ۱۴ اپریل ۱۹۳۱ سفیر انگلستان در جده به دفتر خارجه، اندریو ریان Andrew Ryan سفیر بریتانیا در عربستان سعودی به آرتر هیندرسن Arthur Henderson در دفتر خارجه مینویسد که «من ترتیباتی را گرفته ام تا در باره حرکات شاه سابق افغانستان زودترین اطلاعات را بدست آورم. شما مشکلات کشف فعالیت های مخفی در مکه را درک میکنید. من امروز صبح طی یک صحبت از یوسف یاسین بصورت عادی راجع به درست بودن آوازه های امدن شاه سابق افغانستان به حج، پرسیدم. وی در جواب گفت که امان الله تصمیمش را در یک مکتوبی اعلام کرده است. وی خودش علاوه کرد که [شاه عبدالعزیز] ابن سعود شرکت حاکم فعلی افغانستان [محمد نادرشاه] رادر مراسم حج ترجیح میدهد، اما بنا به دلایل مذهبی نمیتواند مانع شرکت امان الله شود. این به اساس اصول قبول شده است که نمیتوان از اجازه دخول هیچ مسلمی به اماکن مقدس جلوگیری کرد. وی از هیئتی از کابل هم ذکر کرد. من از آشکار ساختن هر نوع علاقه خاص به امور افغانستان اجتناب ورزیدم. من راجع به خطر اعلام رسمی پالیسی یا ترور کدام اسناد قبلی ندارم. بنا بران، تا انکشافات بعدی و یا در صورت طولانی شدن اقامت وی، لازم افتد، من پیشکش آنرا به حکومت حجاز خوب نمیدانم. ترور در دوران مراسم حج بعید به نظر میرسد».

دروغ های جدید برای پوشاندن دروغ های قبلی

آقای کاکر برای پوشاندن دروغ های قبلی اش دست به دروغ پردازی های جدیدی زده و خواسته است با بازی به کلمات نشان دهد که گویا "زمانی" فهمی از مقررهای دقیق و علمی ندارد و از همین لحاظ با انتقاد بر او خطای بزرگی را مرتکب شده است.

یکی از جعل کاری های آشکار آقای کاکر هم نقل روایتی بود در رابطه لویه جرگه از صفحه ۸۱۳ جلد اول کتاب افغانستان در مسیر تاریخ از شادروان غبار. او با جعل کاری اش نام «غلام محی الدین آرتی» را عمداً به «غلام

د پانیو شمیره: له 5 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنیزې ډلېکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

محي الدين انيس» تغيير داده و قسمتي از انتقادات مشروطه خواه ديگر مرحوم «عبدالرحمن لودين» را هم به انيس حواله نموده بود.

د همدغې موضوع په پای کې د کابل وکیل غلام محی
الدين [انيس] چې په روسیې کې یې زده کړه کړې وه، ولاړ
شو او پاچا یې په دې ډول وپوښته چې:

کاپي آنچه آقای کاکر از غبار نقل کرده است (ص ۸۹ د پاچا امان الله واکمنی ته یوه کتنه)

گرديد ، و غلام محی الدين خان ارتی نماینده انتخابی کابل که سه صد هزار روپيه اعانه برای خریداری مهمات جنگی دولت شخصاً پذیرفته بود فریاد کرد: اعلیحضرتا! مادامیکه این وزرای مشهور بالفساد شما تا پای محاکمه و دار برده نشده اند ، هیچ اصلاحاتی در مملکت ممکن نیست. وقتیکه در جرگه تاسیس شورای ملی انتخابی به تصویب رسید نگارنده بحیث وکیل انتخابی پایتخت کفتم که : تا وقتیکه وزرای دولت قانوناً در نزد شورای ملی مسئولیت نداشته باشند، و تنها بحضور شاه مسئول باشند شورای ملی مفهوم اصلی خود را نمیتواند داشته باشد . ولی اینصدا های متعدد نمایندگان جرگه بجائی نرسید ، و در عودت و کلا بولایات و روستا های کشور طوماری از سوء اداره دولت در برابر چشم توده های مردم کشوده شد .
متعاقباً در جلسه چمن استور کابل هنگامیکه یکنفر از شاملین جلسه (عبدالرحمن خان لودی) گفت: اعلیحضرت خود شانرا يك «پادشاه انقلابی» در نطق خود معرفی نمودند، پس توقع می رود که انقلاب در دستگاه دولت را بپذیرند ، ده سال است

کاپي نوشته شادروان غبار (ص ۸۱۳ جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ)

او برای پوشاندن این دروغش مینویسد که « اما، اعتراض شاغلی زمانی در مورد یک جمله از رساله ام قابل یاد آوری است: میگویم من اسم غلام محی الدين آرتی را قصداً به غلام محی الدين انيس تغییر داده ام. اگر او فهمی از مقررہ های نوشته های دقیق و علمی میداشت، هرگز این نوع حکم را صادر نمی نمود. وقتی من لقب رادر اخیر نام غلام محی الدين در داخل این علامه [] آورده ام به این معنی است که در متن، تنها " غلام محی الدين " بود و چون در آنوقت برایم معلوم نبود، من لقب انيس را در داخل این علامه [] اضافه نموده ام زیرا که در نوشته های دقیق، این یک رسم قبول شده است که وقتی یک نویسنده از منبعی نقل قول مینماید باید عین همانی باشد که در متن اصلی ذکر گردیده است، حتی اگر غلط هم باشد. علائم خاصی به مقصد آوردن هر نوع تغییرات وضع گردیده است که به

د پانوی شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

همین اساس من لقب " انیس " را در داخل این علامه [] نشان داده ام . این، الفبای نویسندگی علمی است و اعتراض شاعلی زمانی باید بالای نافهمی خودش باشد نه دیگران».

درین جا کاپی هردو سند را مقایسه نموده قضاوت را به خوانندگان میگذاریم تا ببینند که جعلکار بزرگ تاریخ ما چگونه برای پوشاندن یک جعلکاری و دروغش به جعلکاری و دروغ دیگر پرداخته است و اسم **غلام محی الدین آرتی** را به غلام محی الدین انیس تبدیل نموده است . آیا راستی هم در متن آقای غبار تنها محی الدین نوشته شده است؟

البته لست دروغ های آقای کاکر بسیار طولانیست . مثلا او آقای نسیم جواد را رئیس اتحادیه داکتران در پشاور میدانند، گویا من بعد از مهاجرت ثانی او جانشینش در اتحادیه داکتران بوده ام، یا اینکه شهید داکتر سعادت شگیوال عضو یا کارمند کمیته استریا بوده است . یا اینکه گویا بعد از ترور پوهاند سید بهالدین مجروح در پشاور حیات او نیز در خطر بوده است . او همچنان ادعا دارد که من افغانی کلتوری تولنه را به نفع شخصی خود مورد استفاده قرار داده ام.

چرا آقای کاکر از رسوا شدن این همه دروغ های شاخدارش هراسی ندارد؟ مگر او نمیداند که رؤسای سابق اتحادیه دکتوران آنوقت مثل محترم داکتر غازی علم، محترم داکتر عبدالله عثمان و محترم داکتر رحیم پشتونیار و ده ها نفر از اعضای آن اتحادیه به فضل خداوند تا هنوز زنده اند و شهادت میدهند که آقای جواد هیچ وقتی حتی عضویت اتحادیه داکتران را نداشته، چه رسد به اینکه ریاست آنرا به عهده داشته باشد، و من تنها یک عضو آن اتحادیه بوده ام، نه اینکه رئیس آن . مؤسسه استریا (اطریش) که یکی از بزرگترین مؤسسات خیریه خارجی در پشاور بود، چند صد نفر کارمند داشت، و تعدادی از آنها حالا هم در امریکا، کانادا و اروپا بسر میبرند. آیا یکنفری هم پیدا خواهد شد که بگوید داکتر شگیوال حتی برای یک روز هم کارمند آن مؤسسه بوده است؟

تا جائیکه به ادعا و تهمت کاکر بر افغانی کلتوری تولنه ارتباط میگیرد، نه تنها اینکه ویدیو های تمام محافل تجلیل از خاطره سالگرد استرداد استقلال افغانستان در «یوتیوب» موجود اند، بلکه صد ها تن از شخصیت های محترمی که در آن محافل سهم گرفته اند، شاهد این ادعای دروغین او میباشند.

در رابطه با احتمال ترور آقای کاکر در پشاور باید گفت که همه میدانند که چه کسانی در پشاور و از طرف کی ترور میشدند. او که در پشاور از معاش و امتیازات حواله شده برخوردار بود و حتی ماه ها بعد از آنکه توسط مراجع غربی برای نوشتن کتاب «تهاجم شوروی و عکس العمل افغانها»، در تفریحگاه سواحل هاوانی ماموریت داشت، آن امتیازاتش حواله میشد، چگونه میتواند ادعا کند که حیاتش در خطر بود؟

این گفته کاکر من را به یاد خاقانی می اندازد که میگوید:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز
مردار بود هر آنکه او را نکشند

هتک حرمت و ترور شخصیت نویسندگان مخالف با استعمار انگلیس

میزان دشمنی و شدت بغض، عداوت، خصومت، کراهت، نفرت و انزجار پوهاند کاکر نسبت به غازی امان الله خان و یارانش را میتوان از نوشته اخیرش اندازه نمود. او به جواب اینکه چرا با وجود روابط حسنه و سابقه تبادل کتب و

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

اسناد، خواهش را نه پذیرفت و مهمترین ماخذ کتابش (رسالة «سقوط امان الله») را برای مطالعه در اختیارم قرار داد، جوابی نداد و نداشت، بلکه کسانی را که به تاریخ دوره امانی علاقه نشان میدهند، بی عقل، بی خرد، بی منطق، احساساتی، افراطی، انتحاری، بدون سویه و از مردم کوچه میداند.

آقای ککر یا از شدت عصبانیت و یا هم تحت تاثیر مشروبات الکهولی و ادویه ضد افسردگی، در حمله بر این قلم مینویسد: «شاغلی زمانی میگوید که وی "به [تاریخ] دوره امانی عشق و عطش بی حد دارد. گمان نمیکنم که وی معنی این جمله اش را بفهمد. گفتار یک شخص عاقل چنین شده نمیتواند. داشتن "عشق مفرط" به تمام حوادثی که تأریخ این دوره را میسازد گفتاری است احساساتی، دور از منطق و حتی خلاف عقلانیت. حوادث این دوره، متضاد بوده و برخی هم تلخ اند. مهمتر اینکه، وی از روی این گفتار نمیتواند در مورد تأریخ دوره امانی آفاقی و بی غرض بماند و هرچه در موردش بگوید و بنویسد، یک جانبه و پارتیزانی نباشد. انتقادی که هیچ شده نمیتواند بلکه نوشته های انتقادی دیگران را هم در موردش قبول کرده نمیتواند و هم این گفتار اصلاً برخلاف میتود های علمی بوده در تفهیم حوادث کمک کرده نمیتواند... نوشته های شاغلی زمانی نیز از روحیه افراطی برخوردار است که در آن تهمت ها، کتره ها و احکام بی اساس توسط این آماتور کم نبوده، به رویت آنها گفته شده میتواند که بدون سویه و از مردم کوچه بوده باشد. مثال بزرگ آن این است که رساله کوچک مرا در مورد امان الله " همان تبلیغات پر از فتنه انگلیس " میدانند.

در جواب حملات شخصی و دشنام های آقای کاکر بر این قلم، من تنها به این گفته اکتفا میکنم که :

به ناکسان چو رسی حرمت و تواضع کن دری که پست بود میتوان خمیده گذشت

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ